

راهنمای تقریرات حلقه ثالثه :

این تقریرات از روی صوت حلقه ثالثه استاد محمدحسین ملک زاده تقریر شده‌اند؛ در متن تقریر پیش رو شماره‌هایی می‌بینید که متشکل از شماره نکته‌ی تقریر شده و شماره صفحه‌ی مد نظر است (مثلاً ۱۵۰/۵ تقریر ۵ در صفحه ۱۵۰) این شماره را از فایل جانبی در پوشه اصلی همین تقریرات بنام "متن عربی حلقه ثالثه برای تطبیق متن تقریرات با متن اصلی" میتوانید ببینید تا متوجه بشوید که هر تقریر ذیل چه متنی گفته شده است. در ضمن در خود تقریرات، متن عربی حلقه ثالثه، که تقریر ذیل آن انجام شده برای استفاده سریعتر آورده شده است. خوشحال میشویم هرگونه اصلاح متنی که انجام دادید یا نظرات خود را برای ما بفرستید. جهت ارتباط با ما : ۰۹۳۶۳۲۱۱۷۳۰، پیامرسان‌های ایتا و بله؛

\*- صوت ۱۲۲ الثمره الفقهیه للنزاع فی الوجوب الغیری

\*- بحث ما در مورد ملازمه یک چیزی و وجوب شرعی مقدمه آن بود و گفتیم بسیاری از اصولیین قائل اند میان ملازمه میان وجوب شی و وجوب مقدمه اش که اصطلاحاً به این می‌گویند وجوب غیری؛

\*- این بحث یک بحث تاریخی از قدیم بوده و سؤال شده ثمره این چی هست؟ ثمره اش همین اثبات وجوب برای مقدمه است. شهید صدر می‌گوید نخیر این ثمره فقهی نیست و هیچ ارزشی نیست. ما در فقه می‌گوییم هذا واجب یعنی این دارای تحریک است. در همین مطلب پیش گفتیم وجوب غیری دارای تحریک مولوی نیست و خودش به خودی خود ثواب مستقل ندارد. از اون طرف عقاب هم که نداشت. لذا این اون چیزی نیست که ما بگوییم ثمره فقهی.

\*- پس ثمره فقهی چیست؟ شهید دو تصویر برای ثمره ذکر می‌کنند. - تماماً بحث بر سر ملازمه است. ملازمه میان وجوب شی و وجوب مقدمه -

تصویر اول شهید: واجبی علت تامه باشد برای حرامی. و تصویر دوم: حرامی مقدمه باشد برای واجبی.

تصویر دوم خیلی آسان‌تر است. مثلاً رد شدن از زمین مردم مقدمه باشد برای انقاز غریق که در بحث تراحم بوده است. که بحث اهم ملاکا پیدا میشد و حل میکردیم.

تصویر اول: اینکه واجبی را اگر شما انجام بدهید منجر به حرام میشود. -مثلاً لمس اجنیه وقتی دارد غرق میشود ولی انگار لمس اجنیه مقدمه واجب است نه نتیجه-. بهتر است برای مثال بگوییم شما کاری میکنید در نتیجه این واجب اتلاف مال

غیر هم میشود ولی نه در مقدماتش بلکه در نتیجه آن. یا مثلاً یک جایی دارند زنانی می رقصند و شما میخواهید امر به معروف کنید ولی ناچاراً وارد شوید رقص زنان را ببینید.

خب سؤال ما گفتیم مقدمه حرام، حرام است و اون مقدمه‌ای که علت تأمه برای اون حرام باشد. در این حالت یا منکر ملازمه ایم یا قائل به ملازمه هستیم.

فرض کنید ما قائل به ملازمه نباشیم این میشود باب تزاحم نگاه می‌کنیم کدام اهم ملاکها هستند و اون را انجام می‌دهیم. درست است دیدن رقص زن حرام است ولی امر به معروف واجب است طبق تزاحم واجب را انجام می‌دهیم.

اگر بگوییم که نه قائل به ملازمه هستیم یعنی مقدمه حرام حرام است. پس امر به معروف طبق قاعده ملازمه حرام است. همان امر به معروف طبق دلیل دیگر واجب است. اینجا باب تعارض پیش می‌آید. - تعارض در مورد یک امر است که همزمان همان امر طبق دلیلی حرام شده و همان امر طبق دلیلی واجب شده است. -